

# الگوی اسلامی پیشرفت براساس مفاهیم قرآن کریم

نجف لکزایی\*، محمد سنقری\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۲/۱۰

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

الگوی اسلامی  
پیشرفت براساس  
مفاهیم قرآن کریم  
(۷ تا ۲۸)

## چکیده

جامعه ایران امروز بیش از هر زمان دیگری در پی کشف الگوهای اسلامی در عرصه‌های مختلف، بر اساس آموزه‌های اسلامی است. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس مفاهیم قرآن کریم چیست؟ در پاسخ، این مدعا ارائه شده که الگوی پیشرفت قرآنی الگویی است که رهبران الهی با هدف تحقق سعادت دنیوی و اخروی (حیات طیبه) در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و... با تأکید بر منابع و حیاتی و بشری عرضه کرده‌اند. برای تبیین موضوع از چارچوب نظری علل اربعه استفاده کرده‌ایم. بر اساس این چارچوب نظری، تحقق هر نوع الگویی مستلزم تحقق چهار علت است: علت مادی، صوری، فاعلی و غایی. کشف علل مذکور، با روش تفسیر موضوعی و مبتنی بر مفاهیم قرآنی دغدغه اصل مقاله حاضر است.

## واژه‌های کلیدی:

الگوی اسلامی پیشرفت، علت فاعلی، علت مادی، علت صوری، علت غایی و حیات طیبه.

\* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع). nlakzaee@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام. srmosavi93@gmail.com

## مقدمه

تمدن‌سازی منوط به تولید در سه عرصه دانش، ثروت و قدرت است. مثلث فرهنگ، سیاست و اقتصاد مبتنی بر الگوهای اسلامی و بومی می‌تواند مولد و موجد تمدن‌سازی باشد. جامعه ایران امروز بیش از هر زمان دیگری دغدغه تولید الگوهای مختلف در عرصه‌های مختلف تمدن‌سازی و جامعه‌سازی را دارد. یکی از الگوهایی که اهتمام بیشتری برای تولید آن در جریان است، الگوی اسلامی پیشرفت است. در مقاله حاضر نیز تلاش است در همین سمت و سو و البته با تکیه بر مفاهیم قرآن کریم، به تبیین الگوی اسلامی پیشرفت پرداخته شود.

پیشرفت امر حادثی است و به نظر فلاسفه، هر امر حادثی نیازمند به چهار علت است: علت مادی، صوری، فاعلی و غایی. (مصباح، ۱۳۶۶) و «هرگونه تحلیلی از حقیقت چیزی به یکی از علل چهارگانه آن بر می‌گردد هرچند علل اربعه نام برده نشود». (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۹) الگو چون یک پدیده است باید به چهار سؤال پاسخ گو باشد: ۱. اهداف و غایات الگو چیست؟ ۲. افراد، نهادها و کارگزاران لازم برای رسیدن به الگو چیست؟ ۳. منابع و مبانی لازم برای ساخت الگو چیست؟ ۴. ابعاد و سطوح الگو چیست؟ لازمه رسیدن به حیات طیبه قرآنی، وقوع چهار علت است که «لازمه حصول معلول، این است که علت تا مه ایجاد شود و اگر علت تا مه ایجاد شد وجود معلول حتمی، بدیهی است و تخلف معلول از علت تا مه غیر ممکن است». (المظفر، ۱۳۷۴: ۳۷۱) بنابراین آن الگوی متعالی قرآنی، حیات طیبه است که پاسخ گو در هر چهار علت است. حیات طیبه مبتنی بر فوز، فلاح و رستگاری دنیا و آخرت است، که در مقابل الگوهای متدانی موجود است. چارچوب مقاله، روش نوی است؛ چرا که سعی شده است تمام ابعاد الگو در نظر گرفته شود و از طرفی مباحث فلسفی جنبه کاربردی و اجتماعی پیدا کند (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۲)

روش پژوهش توصیفی- استنباطی (تفسیر موضوعی قرآن) مبتنی بر مفاهیم قرآن کریم است.

## مفاهیم و چارچوب نظری

الگو (Paradigm) در مقاله حاضر «یک نظریه کلی است که انسان در باره قلمرویی از هستی دارد و با توجه به آن نظریه به تفحص و بررسی در جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، انسان با توجه به جهان‌بینی یا نظریه کلی و پارادایم یا الگوی فکری حاکم بر اندیشه‌اش، آنچه را می‌خواهد انتخاب می‌کند و مورد تجربه و عمل قرار می‌دهد». (آقا بخشی، ۱۳۸۶: ۴۸۹-۴۸۸)

پیشرفت و توسعه (Progress) در این مقاله به معنای: «۱. تغییر از بدتر به بهتر که در نتیجه تلاش و کوشش انسان به دست می‌آید؛ ۲. حرکت به پیش یا در جهت مطلوب؛ ۳. جلوه‌گر شدن آثار عقل و خرد، علم و معرفت، اخلاق، اقتصاد و تکنولوژی (در جامعه) است». (همان: ۵۴۷) همچنین توسعه عبارت است از «بهبود و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی یا گسترش ظرفیت نظام اجتماعی... و یا به عنوان فرآیندی که کیفیت زندگی افراد را بهبود می‌بخشد». (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۱۰۴)

رهبر معظم انقلاب درباره پیشرفت اسلامی می‌فرماید:

اسلام دنبال ایجاد یک جامعه پیشرفته است؛ بخش مهمی از احکام اسلام این را فریاد می‌زند؛ بنابراین این جزء آن مجموعه کلان جامعه اسلامی است. اسلام همچنین در پی ایجاد جامعه معنوی است. در نظام اسلامی، جامعه هم عادلانه ایجاد می‌شود، هم در درون خود جامعه عادلانه است، هم جامعه پیشرفته است، هم جامعه معنوی است. هدف انتفاع انسانیت است نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی، پیشرفتی که ما می‌خواهیم براساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت برای کل بشریت و برای انسانیت است». (۸۶/۲/۲۵: khamenei.ir)

بنابراین منظور از پیشرفت در مقاله حاضر، حرکت آگاهانه و برنامه‌ریزی شده به سوی اهداف و غایت مورد نظر قرآن کریم است که در این الگو برخلاف الگوهای غربی، دنیا و آخرت باهم و در تمام ابعاد مورد توجه است.

چارچوب نظری مقاله، نظریه علل اربعه برگرفته از فلسفه اسلام است. به نظر فلاسفه، «هر امر حادثی نیازمند چهار علت است: علت مادی، صورتی، فاعلی و غایی». (مصباح، ۲۰: ۱۳۶۶)

وقتی از فلسفه پدیده‌ای که حادث شده، پرسش می‌کنیم، در واقع از این چهار علت سؤال کرده‌ایم. از این نگاه، هرگاه از فلسفه «الگو» پرسیده شود، چهار پرسش زیر مدنظر است: ۱. علت مادی (متابع و مبانی) الگو چیست؟ ۲. علت فاعلی (افراد، نهادها و کارگزاران) الگو چیست؟ ۳. علت صورتی (انواع، سطوح و ابعاد) الگو چیست؟ ۴. علت غایی (اهداف و غایات) الگو چیست؟

## ۱. منابع و مبانی الگوی پیشرفت در قرآن کریم

منابع و مبانی که برای ساخت الگوی پیشرفت در قرآن کریم به آن اشاره شده، شامل موارد زیر است: وحی، سنت، عقل و حکمت، قلب و فؤاد، تجربه و دستاوردهای بشری، ایمان و تقوا، و... در اینجا به علت کمی مجال، صرفاً به آیات هر کدام اکتفا شده و از تفسیر آنها اجتناب می‌کنیم.

### وحی

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ \* وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ (شوری، آیه ۵۱-۵۳) و هیچ بشری را نشاید که خدا با او تکلم کند، مگر به طریق وحی، و یا از ورای حجاب، و یا آنکه رسولی بفرستد پس به اذن خود هر چه می‌خواهد به او وحی کند که خدا بلند مرتبه فرزانه است. و همین طور ما روحی از امر خود را به سویت وحی کردیم، و گرنه تو نه‌می‌دانستی کتاب چیست، و نه‌می‌توانستی ایمان چیست، و لیکن ما آن را نوری کردیم تا به وسیله آن هر که از بندگانش را خواستیم هدایت کنیم، و تو به یقین به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کنی. صراط خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است ملک او است، آگاه باش که بازگشت همه امور به خداست.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ (یونس، آیه ۵۷) هان ای مردم! از ناحیه پروردگارتان موعظه‌ای و شفای قلبی و هدایتی برای عموم بشر و رحمتی برای خصوص مؤمنین بیامد.

در این آیه، قرآن کریم مایه هدایت و رحمت برای مؤمنین برشمرده شده است. بر اساس این آیه، هدایت متغیر مستقل پیشرفت مادی و معنوی است. این مطلب در نمودار ذیل خود را نشان می‌دهد:

عمل به قرآن ← هدایت ← پیشرفت

### سنت

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ (احزاب، آیه ۲۱) در حالی که شما می‌توانستید به رسول خدا(ص) به خوبی تأسی کنید، و این

وظیفه هر کسی است که امید به خدا و روز جزا دارد، و بسیار یاد خدا می‌کند». به عبارت دیگر، تأسی به رسول خدا(ص) مایه سعادت دنیا و آخرت است. الگو گیری از رسول خدا ← پیشرفت مادی و معنوی

سیاست متعالیه

• سال سوم  
• شماره هشتم  
• بهار ۹۴  
الگوی اسلامی  
پیشرفت براساس  
مفاهیم قرآن کریم  
(۷ تا ۲۸)

### عقل و حکمت

در بعد عقل و تفکر آیات بسیاری آمده است که بارها انسان را به استفاده از آن ترغیب، تشویق و امر می‌کند.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ (انبیاء، آیه ۱۰) به شما کتابی نازل کرده‌ایم که یادبود شما در آن است آیا تعقل نمی‌کنید.

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ؛ (همان، آیه ۲۴) آیا آنها جز او خدایانی گرفته‌اند؟ بگو برهان خویش را بیاورید.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ (جمعه، آیه ۲) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

این آیات، هم اشاره به روش دارند یعنی عقل و تفکر، و هم محل به کارگیری روش را نشان می‌دهند چون قرآن کریم.

### فؤاد

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ؛ (حج، آیه ۴۶) چرا در این سرزمین‌ها سیر نمی‌کنند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بفهمند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند. آری، دیدگان کور نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود».

بیداری دل و روح است که منجر به فهم صحیح و استفاده صحیح از عقل و تفکر و دیگر منابع می‌شود، چراکه بیماری دل که حاصل گناه است منجر به عدم درک درست و حقیقی مسائل می‌شود. خروجی آن الگوهای اشتباه است که پیامدش بحران‌های روحی و اجتماعی می‌باشد.

### ایمان و تقوا

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ (طلاق، آیه ۲) کسی که از خدا بترسد خدا برایش

راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ (اعراف، آیه ۹۶) و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم، ولی (آنها حقایق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

یکی از منابع لازم، ایمان است. همان طور که در دوره پیامبران پیشین به علت عدم ایمان، گشایش حاصل نمی‌شد. روشن است که عدم گشایش به حوادث خارج از محدوده بشر ختم نمی‌شود، بلکه گاهی عدم تشکیل حکومت عدم گشایش بود؛ چرا که احکام الهی اجرا نمی‌شود و قطعاً احکام تابع مفسد و مصالح هستند و وقتی حکومتی نباشد احکام الهی اجرا نخواهد شد و عدم احکام الهی به معنای عدم مصالح بشری و وجود مفسد بشری خواهد بود که نمونه‌های آن در تاریخ فراوان است.

ایمان و تقوی ← گشایش فردی و اجتماعی

### تجربه و دستاوردهای بشری

از آیات دیگری که قرآن کریم بدان اشاره فرموده و به عنوان ماده الگو قابل استفاده است تجربه است. در آیات حتی به بعضی از محل‌های استفاده تجربه نیز اشاره شده است؛ چون تجربه در عذابی است که به اقوام گذشته رسیده است. البته تجربه و عبرت اختصاص صرف به عذاب اقوام گذشته ندارد، بلکه به تعبیر فقها می‌شود آن را الغای اختصاصی کرد و از صرف عذاب خارج کرد که شامل علم و... نیز می‌شود. صرف مدنظر قرار دادن تجربه هم اشتباه است، مانند نظریه پردازان غربی.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا؛ (فاطر، آیه ۴۴) آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا ببینند سرانجام آنهایی که قبل از ایشان بودند چه شد با اینکه اینان نیرومندتر بودند. آری، هیچ چیزی در آسمان و زمین خدا را عاجز نمی‌کند که او دانا و تواناست.

این مواد که در آیه ذکر شده، در کنار هم نیل به غایت الهی را ممکن می‌سازد؛ چرا که نبود یکی، نه تنها ممکن است فایده‌ای نرساند، بلکه مضر هم واقع شود؛ چون جدایی علم از ایمان، جدایی تجربه از وحی و دیگر مواردی که پیامدش عدم راهبرد صحیح در سطح فردی و اجتماعی می‌باشد.

آنچه آمد، در قالب جدول زیر قابل نمایش است:

ردیف	منابع معرفتی و انگیزشی لازم برای کشف الگوی اسلامی پیشرفت
۱	وحی: آیات قرآن کریم
۲	سنت: تبیین پیامبر(ص) و جانشینانش(ع)، از کلام خدا و نیز سیره و روش پیامبر(ص) و جانشینان معصومش
۳	عقل و حکمت: منبع معرفتی درونی برهانی
۴	فؤاد: به عنوان منبع درونی شهودی
۵	ایمان و تقوا
۶	تجربه و دستاوردهای بشری و عبرت از تاریخ

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

الگوی اسلامی  
پیشرفت براساس  
مفاهیم قرآن کریم  
(۷ تا ۲۸)

## ۲. افراد، نهادها و کارگزاران الگوی پیشرفت در قرآن کریم

دستیابی به هر غایتی مستلزم وجود فاعلی متناسب با آن غایت است. اندیشمندان مختلف در عرصه حکومت و جامعه، اهدافی را برای آن تعیین و در راستای آن اهداف به بیان ویژگی‌ها حاکم پرداخته‌اند؛ برای نمونه: افلاطون در کتاب هفتم جمهوریت خطاب به گلاکون سوفسطائی می‌نویسد:

جامعه‌ای که آن را وصف کردیم (یعنی مدینه فاضله) هرگز تحقق نخواهد یافت و گرفتاری‌های انسانیت هرگز پایان نخواهد یافت مگر آنکه فیلسوفان در این جهان شهریار شوند یا کسانی که ما اینک ایشان را شهریار و فرمانروای خود می‌نامیم به طور جدی و کافی در پی مطالعه فلسفه بروند و این دو یعنی قدرت سیاسی و عقل فلسفی باهم در آمیزند. (فاستر، ۱۳۶۱: ۴۵)

خواجه نصیر نیز در بیان ویژگی‌های حاکم الهی می‌گوید:

و در تقدیر احکام به شخصی احتیاج باشد که با تأیید الهی ممتاز بود از دیگران، تا او را تکمیل ایشان میسر شود و آن شخص را در عبارت قدما ملک علی‌الاطلاق گفته‌اند و احکام او را صناعت ملک، در عبارت محدثان او را امام و فعل او را امامت و افلاطون او را مدیر عالم خواند و ارسطو انسانی مدنی یعنی انسانی که قوام تمدن به وجود او و امثال او صورت بندد. (طوسی، ۱۳۵۶: ۲۵۳)

در قرآن کریم نیز به بیان ویژگی‌های فرد مورد نظر برای اداره جامعه (حیات طیبه) اشاره دارد و آنها را با نام انبیا، اوصیا و اولیا بیان می‌کند و از طرفی، نقطه مقابل آن را نیز بیان فرموده است که به آن اشاره خواهد شد.

## رهبران الهی

از پر استعمال‌ترین واژه‌ها در قرآن، واژه «ولایت» و مشتقات آن است، مثل ولی، اولیاء، والی، موالی، و... . ولاء، ولایت (به فتح واو) ولایت (به کسر واو) ولی، مولی، اولی و امثال اینها همه از ماده ولی<sup>۱</sup> «ول.لی» اشتقاق یافته‌اند. (معلوف، ۱۳۷۵: ۲۲۲۹)

این واژه از پر استعمال‌ترین واژه‌های قرآن کریم است که به صورت‌های مختلفی به کار رفته است. ولایت به معنی سرپرستی و تصدی امر است که در مورد شیء یا اشیا، شخص یا اشخاص تحقق می‌یابد و معنای دیگری هم چون دوستی و نصرت دارد که آنها نیز بی‌مناسبت با معنای تصدی نیستند. (مطهری، امامت و رهبری)

مقتضای برهان عقلی در نیازمندی انسان به قانون الهی که قرآن کریم نیز آن را تأکید می‌کند آنکه کمال انسان در اطاعت از کسی است که او را آفریده و بر حقیقت او و جهان (دنیا و آخرت) و ارتباط متقابل این دو مرحله، آگاه است و او کسی نیست جز ذات اقدس اله، و از این رو عبودیت و ولایت، منحصر به الله است؛ یعنی انسان به حکم عقل و فطرتش موظف است که فقط عبد خداوند باشد و تنها ولایت خداوند را بپذیرد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۹/رک: همان: ۱۳۴)

و ولایت رهبران الهی به دستور خداوند و در طول ولایت الهی است.

### انواع رهبری: الهی و غیرالهی (طاغوت)

عبدالمجید معادینخواه (معادینخواه: ۱۳۷۸) چهارده نوع ولایت را از قرآن کریم استخراج کرده است:

۱. ولایت خداوند بر هستی و مؤمنان: بقره، آیه ۲۵۵-۲۵۸؛ آل عمران، آیه ۲۶-۲۷، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۷۳-۱۷۵، ۱۸۹؛ نساء، آیه ۱۲۶؛ یونس، آیه ۳ و ۵۵؛ نور، آیه ۴۲؛ فرقان، آیه ۲؛ زمر، آیه ۴۴؛ فصلت، آیه ۱۱؛ فتح، آیه ۱۴؛ ملک، آیه ۱؛ ناس، آیه ۲.

۱. ولی: ولی یلی و لیا فلاناً؛ به فلانی نزدیک شد (کم استعمال می‌شود) / به دنبال فلانی و پشت سر او قرار گرفت.

ولی یلی ولیاً فلاناً؛ به فلانی نزدیک شد/ به دنبال فلانی و پشت سر او قرار گرفت.  
ولی یلی ولایة ولایة الشیء و علیه: سرپرست و اختیاردار آن چیز شد.



۲. ولایت پیامبر و اولی الامر یعنی اوصیا: بقره، آیه ۲۴۷؛ آل عمران، آیه ۳۱-۳۲؛ نساء، آیه ۵۹، ۷۰، ۱۱۵، ۸۰؛ مریم، آیه ۱۲؛ نور، آیه ۶۲؛ احزاب، آیه ۶؛ زخرف ۶۳؛ محمد، آیه ۳۳؛ فتح، آیه ۱۷؛ تغابن، آیه ۱۲؛ نوح، آیه ۳.
۳. ولایت پدر، پدربزرگ ... فامیل و غیره: بقره، آیه ۲۰۰ و ۲۳۷؛ نساء، آیه ۹۲؛ اسراء، آیه ۳۳؛ مریم، آیه ۵-۶؛ نمل، آیه ۴۹.
۴. ولایت بر جامعه: ۲-۱۰.
۵. ولایت در نظام خانواده: ۳-۱۰.
۶. ولایت بر سفیهان، ناتوانان و خردسالان یتیم: بقره، آیه ۲۸۲؛ نساء، آیه ۵-۶-۹-۱۰.
۷. ولایت حق بر اولیا و حاکمان صالح: بقره، آیه ۲۸۶؛ یونس، آیه ۶۲؛ یوسف، آیه ۱۰۱.
۸. ولایت اولیای حق: کهف، آیه ۶۵-۸۲؛ انبیا، آیه ۷۸-۹۴.
۹. ولایت فرهنگی: آل عمران، آیه ۳۷؛ امر به معروف.
۱۰. ولایت مؤمنان و عالمان راستین: آل عمران، آیه ۱۰۴؛ مائده، آیه ۷۹، ۶۳؛ انفال، آیه ۷۱-۷۵؛ توبه، آیه ۷۱؛ احزاب، آیه ۵.
۱۱. تولیت کعبه: انفال، آیه ۳۴؛ توبه، آیه ۱۷-۲۲.
۱۲. ولایت زورمندان و ناپاکان: حجر، آیه ۶۷-۷۲.
۱۳. ولایت حق و ولایت باطل: یونس، آیه ۳۰؛ کهف، آیه ۴۴؛ طه، آیه ۱۱۴. (معادخواه، ۱۳۷۸)

در قرآن سخن از ولاء و موالات و تولی زیاد رفته است. در این کتاب بزرگ آسمانی مسائلی تحت این عناوین مطرح است، آنچه مجموعاً از تدبیر در این کتاب مقدس به دست می آید این است که از نظر اسلام دو نوع ولاء وجود دارد: منفی و مثبت. یعنی از طرفی مسلمانان مأموریت دارند که نوعی ولاء را نپذیرند و ترک کنند، و از طرف دیگر دعوت شده اند که ولاء دیگری را دارا باشند و بدان اهتمام ورزند. ولاء اثباتی اسلام نیز به نوبه خود بر دو قسم است: ولاء عام و ولاء خاص. ولاء خاص نیز اقسامی دارد. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۷)

در سوره بقره به دو این دو وجه پرداخته شده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (بقره، آیه ۲۵۷)

علامه طباطبایی در باب وجه منفی آن یعنی طاغوت می فرماید:

کلمه طاغوت به معنای طغیان و تجاوز از حد است؛ ولی این کلمه تا حدی مبالغه در طغیان را هم می رساند؛ مانند کلمه ملکوت و کلمه جبروت که مبالغه

در مالکیت و جباریت است، و این کلمه در مواردی استعمال می‌شود که وسیله طغیان باشد، مانند اقسام معبودهای غیر خدا، امثال بت‌ها و شیطان‌ها و جن‌ها و پیشوایان ضلالت از بنی آدم، و هر متبوعی که خدای تعالی راضی به پیروی از آنها نیست و این کلمه در مذکر و مؤنث و مفرد و تثنیه و جمع، مساوی است و تغییر نمی‌کند. (طباطبای، المیزان: ۵۲۶)

۱۴. ولایت کافران و ظالمان بر یکدیگر و پیوند سیاسی آنان: انفاق، آیه ۷۳؛ جائیه، آیه ۱۹ (معاذیخواه، ۱۳۷۸).

### تعیین ولی امر از طرف خداوند (انبیا، اوصیا و اولیا)

رسیدن به غایتی که قرآن کریم بیان می‌دارد مستلزم وجود فاعلیت متناسب با آن غایت است. یکی از نعمت‌ها و زیبای‌های قرآن کریم، بیان فاعلان و افراد است که این بیان یا به صورت تعیین شخص است، مانند حضرت داود «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، آیه ۲۶) و همچنین پیامبر خاتم(ص) و امامان معصوم(ع)، و یا به صورت تعیین معیارها و صفات است، مثل موضوع ولایت فقیه، که اولی را نصب خاص و دومی را نصب عام می‌گویند.

البته ممکن است کسانی چنین فکر کنند که حاکمیت و ولایت اسلامی تا حضرت ولی عصر(عج) می‌رسد و خاتمه پیدا می‌کند! از آنجا که دین اسلام کامل‌ترین و آخرین دین در نظام هستی است، پس باید برای همه زمان‌ها برای اداره امور امت و جامعه برنامه داشته باشند، مضافاً هر سازمان و مؤسسه‌ای مدیری لازم دارد، آیا سازمان به این گستردگی و با عظمت دین که در تمام شئون و امور انسان‌ها دخالت می‌کند و دستور دارد، می‌شود بدون مدیر و مدبر باشد؟ قطعاً مدیر و مدبری عاقل و حکیم و آگاه و عادل لازم دارد. لذا در غیبت ولی معصوم باید حکومت اسلامی ادامه پیدا کند، در غیر این صورت فلسفه غدیر با غیبت امام عصر(عج) خدشه‌دار می‌گردد؛ پس باید کسی مسئولیت اداره امت اسلامی را در دست بگیرد و حالا چه کسی سزاوارتر و احق و اولی است؟ (ناطق، ۱۳۷۷: ۲۲-۱۹)

امام خمینی چنین می‌فرماید: «شایسته‌ترین شخصیت و فرد برای اداره حاکمیت اسلامی، فقیه عادل آگاه به شئون حکومت اسلامی و سیاست دینی است». (امام خمینی، بی تا، ج ۳: ۱۴۶) از آنچه گفته شد این نکته روشن می‌گردد:

ربوبیت، عبودیت، و ولایت و حکومت همگی اختصاص به خالق و آفریننده انسان دارد و اگر انبیا و مرسلین و ائمه(ع) ولایت تکوینی یا ولایت

تشریحی و حکومت بر جامعه بشری دارند، این ولایت‌ها ظهوری از ولایت خدا و به اذن و فرمان اوست و اگر در عصر غیبت نیز برای ققیه جامع‌الشرایط ولایت و مدیریتی در محدوده تشریح و قانون اساسی بر جامعه مسلمین وجود دارد، آن نیز باید به اذن و فرمان خداوند باشد و اگر نه همان گونه که گفته شد، انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و هیچ انسانی سرپرست انسان دیگر نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۳۴)

باید به این نکته توجه داشت که در جامعه‌ای که با فاعل غیرالهی اداره می‌شود، رسیدن به غایت غیرالهی قابل تصور است، و در مقابل، رسیدن آن جامعه به کمال و رشد انسانی غیرممکن است.

برای اجرا شدن ولایت تشریحی باید قوانین حاکم بر جامعه و اصولی که خطوط اصلی یک نظام را ترسیم می‌کند از طرف خداوند متعال باشد و از طرف دیگر شرط پیاده شدن ولایت‌الله آن است که ولی امر از طرف خداوند معین شود. در جامعه‌ای که با فاعل غیرالهی اداره شود رسیدن به غایت غیرالهی قابل تصور است، رسیدن آن جامعه به کمال و رشد انسانی غیرممکن است، اگرچه برای رشد و کمال فردی راه بسته نیست.

## مردم

در فرهنگ قرآن کریم تنها والیان نقش فاعلی ندارد، بلکه مردم نیز نقش آفرین هستند؛ برای مثال خداوند متعال در سوره یونس به صورت استفهامی، مسلمانان مردم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَا هُمْ إِلَىٰ حِينٍ؛ (یونس، آیه ۹۸) پس چرا در میان شهرهایی که مردمش پیامبران را تکذیب کردند و عذاب بر آنها مقرر شد مردم هیچ شهری پیش از نزول عذاب ایمان نیاوردند که ایمانشان سودشان دهد؟ تنها قوم یونس بودند که پیش از نزول عذاب ایمان آوردند و آن‌گاه که ایمان آوردند ما عذاب خواری را در زندگی دنیا از آنها برداشتیم و تا مدتی که عمر طبیعی آنان بود از زندگی بهره مندشان ساختیم.

خداوند از افراد قوم سخن نمی‌گوید و نمی‌فرماید چرا افراد ایمان نیاوردند؟ بلکه می‌فرماید چرا هیچ قومی ایمان نیاوردند؟

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ (یونس، آیه ۵۷) ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده، و درمان آنچه در سینه‌هاست، و هدایت و رحمت برای مؤمنان».

در قرآن کریم واژه‌هایی به اجتماع اشاره دارند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قوم: بقره، آیه ۱۱۸؛ آل عمران، آیه ۸۶؛ نساء، آیه ۷۸.

امت: بقره، آیه ۱۲۸؛ آل عمران، آیه ۱۰۴؛ اعراف، آیه ۳۴.

ناس: آل عمران، آیه ۹۷؛ نساء، آیه ۴؛ مائده، آیه ۳۲.

قبائل: حجرات، آیه ۱۳؛ اعراف، آیه ۲۷؛ اسراء.

بارها در قرآن کریم از قوم نوح(ع)، قوم موسی(ع) و دیگر پیامبران(ع) نام برده شده است که اینها نشان از تأثیر فاعلیت مردم در رسیدن به غایتی است که قرآن کریم بدان اشاره می‌فرماید. در واقع تا مردم حرکت نکنند رسیدن به اهداف غیرممکن است و رسیدن به اهداف در راستای ایمان به اهداف است؛ همان ایمانی که منجر به رفع عذاب و گشایش در امور می‌شود.

### نهادهای

دومین مفهومی که در علت فاعلی مطرح شد نهاد است. برای نهاد<sup>۱</sup> چندین تعریف بیان کرده‌اند.

قانون، رسم، عرف و عادت، رویه، سازمان یا هر عنصر دیگر در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم؛ یک اصل نظام بخش یا پیمان در خدمت نیازهای یک اجتماع سازمان یافته یا هدف‌های کلی تمدن. آنچه که در اجتماع پابرجا و مستقر شده باشد. پنج مجموعه از نهادهای مهم که معمولاً جامعه‌شناسان از آنها یاد می‌کنند عبارتند از: ۱. نهادهای سیاسی که رقابت بر سر قدرت را نظم می‌دهند؛ ۲. نهادهای اقتصادی که به تولید و توزیع کالاها و خدمات مربوط است؛ ۳. نهادهای فرهنگی که با فعالیت‌های علمی و هنری و دینی و بیانی با سنت‌های جامعه ارتباط دارد؛ ۴. نهادهای خویشاوندی که به مسائل ازدواج و خانواده و تعلیم و تربیت جوانان مربوط است؛ ۵. نهادهای مرتبه‌بندی که توزیع وضعیات و شئون را معین می‌سازند. (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۳۱۹)

یکی از علت‌های فاعلی نهاد است، اما نه فاعل بالذات بلکه فاعل بالعرض. فاعلیت یا بالذات است یا بالعرض. فاعلیت بالذات آن است که فاعلیت‌اش مربوط به خودش بوده و ذاتی آن است و فاعلیت بالعرض برخلاف بالذات فاعلیت‌اش وابسته به دیگری است مثل نهادهای اجتماعی.

1. Institution.

یکی از مهم‌ترین و در واقع اصلی‌ترین نهاد جامعه حکومت است که بسته به شرایط زمانی و مکانی زیرمجموعه‌هایش متفاوت می‌شود: «نهادهای حکومتی یا دولتی نهادهایی<sup>۱</sup> هستند که با حفظ نظم و قدرت، اجرای عدالت و محافظت جامعه در برابر بیگانگان مربوطاند. اجرای این کارکردهای نهادی به عهده سازمان خاصی به نام دولت است...» (همان: ۲۷۶)

بارزترین بخش تعالیم انبیا، شریعت است که مبین یک نظام حقوقی مشخص و متمایز می‌باشد. یک نظام حقوقی از یک سو زمینه‌ساز مجموعه قوانین و مقررات حاکم و از سوی دیگر خواهان یک قدرت سیاسی و حکومتی است که ضمانت اجرای آن قوانین را بر عهده بگیرد... دعوت نیاز به برنامه‌ریزی و تشکل دارد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۱)

آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل تفسیر آیه تعاون «تعاونوا علی البرّ و التقوی» می‌فرماید: آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در برمی‌گیرد، طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند؛ ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است... در آن روز اگر افرادی از قبیله‌ای حمله به افراد قبیله دیگر می‌کردند، بقیه افراد قبیله به حمایت آنها بر میخواستند بدون اینکه تحقیق کنند حمله عادلانه بوده است یا ظالمانه، این اصل در مناسبات بین‌المللی امروز نیز حکومت میکند و غالباً کشورهای هم پیمان، و یا آنها که منافع مشترکی دارند، در مسائل مهم جهانی به حمایت یکدیگر برمی‌خیزند، بدون اینکه اصل عدالت را رعایت کنند و ظالم و مظلوم را از هم تفکیک نمایند! اسلام خط بطلان بر این قانون جاهلی کشیده است و دستور می‌دهد تعاون و همکاری مسلمین با یکدیگر باید «تنها» در کارهای نیک و برنامه‌های مفید و سازنده بوده باشد نه در گناه و ظلم و تعدی. (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج ۴: ۲۵۷-۲۵۴)

لزوم همکاری جمعی برای امور مورد نیاز جامعه نهادهای خاص برای هر کدام از آنهاست، و همچنین آیه: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده، آیه ۳۸) دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند توانا و حکیم است». در این آیات دستور به

1. Governmental institutions.

تعاون و همکاری برای امور صحیح و پرهیز از خلاف آن شده است، آن هم به صورت جمعی. لازمه همکاری جمعی وجود رویه و قانون مشترک است و هر حرکت جمعی، ابعاد اجتماعی، سیاسی و ... دارد که مطابق آنچه در تعریف نهاد گفته شد می باشد. همچنین لازمه کیفر و مجازات تخلفات اجتماعی وجود نهاد قضایی است.

#### جدول افراد، نهادها و کارگزاران الگوی پیشرفت

ردیف	افراد، نهادها و کارگزاران الگوی اسلامی پیشرفت
۱	رهبران الهی: انبیا، اوصیا و اولیا
۲	مردم مؤمن، معتقد و پای‌بند به الگو: تا زمانی که مردم ایمان و باور به الگو نداشته باشند تشکیل حکومت برای رسیدن به اهداف الگو غیرممکن است
۳	نهادهای مختلف: لازمه اجرای هر دستوری نهاد و سازمان مربوط به آن است، چون نهاد حکومت برای اجرای دستورات دین، نهاد قضایی برای اجرای دستورات قضایی دین و ...

### ۳. سطوح، انواع و ابعاد الگوی پیشرفت در قرآن کریم

فاعل بر اساس مواد خودش به ایجاد صورت بر اساس هدفی که دارد می‌پردازد؛ به طور مثال برای ساخت صندلی چوبی به نجار مراجعه می‌کنیم؛ ولی برای ساخت صندلی فلزی سراغ آهنگر می‌رویم. این نشان‌دهنده تأثیر مواد در انتخاب فاعل و کارگزار است و همچنین صندلی را به شکل خاصی، متفاوت با صورت میز، می‌سازد. همین طور این دو با علت صوری هم باید هماهنگ باشد. البته هماهنگی غیر از متغیر و ثابت بودن صورت‌هاست؛ چراکه احکام صوری بسیار وابسته به زمان و مکان است؛ اما در عین حال هماهنگ با سه علت دیگر نیز باید باشد؛ زیرا به نام زمان و مکان نمی‌شود هر صورت متعارض با سه علت دیگر را لحاظ کرد و آوردنش قطعاً منجر به علت تامه الهی نمی‌شود.

#### انواع پیشرفت

انسان یا جهت‌گیری الهی دارد و در نتیجه، متعالیه است و یا جهت‌گیری غیرالهی دارد و در نتیجه، باورها، گرایش‌ها و رفتارهایش دنیایی (متدانیه) است. براین اساس، دو الگو استنباط می‌شود: اول، الگوهای پیشرفت متعالی، که بقای ابدی انسان در کانون توجه آن است که جز در «قرب الهی» و «لقا» تحقق نمی‌یابد؛ بنابراین تک تک انسان‌ها ناگزیرند در تعیین سرنوشت دنیوی و اخروی خود مشارکت جدی و عادلانه برای مبارزه با باطل و طاغوت داشته باشند؛ دوم، الگوهای توسعه سیاسی متدانی، که بقای دنیوی انسان در کانون

توجه آن قرار دارد. (لکزایی، ۱۳۹۱: ۵۷) وجوه و پیامدهای الگو بر اساس انسان‌شناسی شهید مطهری به صورت جدول زیر قابل طرح است. (لکزایی، ۱۳۸۹: ۸۱):

ردیف	انواع انسان	جهت‌گیری‌ها و رسالت‌ها	وجوه و پیامدهای الگو
۱	انسان دارای خود الهی	جهت‌گیری الهی با محوریت تقدم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های معنوی. دعوت تمام انسان‌ها به سوی ارزش‌های الهی به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا. دلسوز برای تمام انسان‌ها و تحمل دشواری‌ها به خاطر راحتی دیگران.	نوع مکتب: متعالی موضوع الگو: تأمین کمال انسان کارگزاران الگو: رهبران الهی و مؤمنان غایت الگو: قرب الهی منابع الگو: دستورهای الهی و ابزارهای مادی و معنوی مرجع الگو: اسلام
۲	انسان دارای خود حیوانی	جهت‌گیری حیوانی با محوریت تقدم ارزش‌های مادی بر ارزش‌های الهی. رقابت و نزاع بر سر تأمین منافع مادی از قبیل ثروت، قدرت. تقدم منافع فردی، گروهی، حزبی، نژادی و ملی و تحمیل سختی بر دیگران به خاطر راحتی خود.	نوع مکتب: متمدنی موضوع الگو: تأمین بقای دنیوی خود و افراد و اشیای مورد علاقه کارگزاران الگو: رهبران غیرالهی، فرعون و نمرودی غایت الگو: تحقق خواسته‌ها و آرزوهای نفسانی منابع الگو: ابزارهای مادی و ایدئولوژی‌های غیرالهی مرجع الگو: فرد، رژیم یا دولت بر حسب مورد

سیاست متعالیه

- سال سوم
  - شماره هشتم
  - بهار ۹۴
- الگوی اسلامی  
پیشرفت براساس  
مفاهیم قرآن کریم  
(۷ تا ۲۸)

این الگو دارای تکثر است و بر اساس انسان‌شناسی امام خمینی (ره) تا هفت الگو قابل تجزیه و طراحی است. سطوح و ابعاد الگو در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و... قابل بررسی است که از ورود به این بحث در اینجا صرف نظر می‌کنیم.

#### ۴. اهداف و غایات الگوی پیشرفت در قرآن کریم

در لغت عرب دو واژه «الهدف» و «الغایة» داریم که الهداف که چند معنا دارد و آن معنایی که مدنظر است نشانه و هدف تیراندازی، نهایت و مقصد می‌باشد. (معلوف، ۱۳۷۰: ۹۵۲) و واژه الغایة به معنای پایان می‌باشد. (همان: ۶۳۵) در تفاوت این دو واژه آمده است: نتیجه کار از آن جهت که منتهی‌الیه است غایت می‌نامند و از آن جهت که از آغاز مورد نظر و قصد فاعل بوده است هدف و غرض می‌نامند و از

جهتی که مطلوبیت آن موجب اراده فاعل به انجام کار شده است، علت غایی نامیده می‌شود. در اصطلاح هدف به چیزی می‌گویند که فاعل در کار خودش آن را در نظر می‌گیرد آن فایده‌ای که بر کارش مترتب می‌شود قبل از انجام کار آن را در نظر می‌گیرد تا به وسیله آن کار، منظورش را تأمین کند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۲۲۱)

قرآن کتاب هدایت است: در هر هدایتی تعیین نقطه شروع، نقطه پایان، مسیر، عوامل انگیزشی و موضوع هدایت از عناصر اساسی به شمار می‌آید. انسان به عنوان مخاطب کلام خداوند، موضوع هدایت است؛ چنان که رسولان نیز با دغدغه هدایت انسان آمدند. قرآن بنیان‌های اعتقادی و اندیشگی برای انسان ارائه کرده که آگاهی از آنها برای نیل به مقصد ضروری است. همچنین اصول تربیتی و اخلاقی و نظامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، حقوقی و خانوادگی را نیز بیان کرده است. نقطه آغاز حرکت از خداست و نقطه پایان نیز اوست: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». (بقره، آیه ۱۵۶) بینش و دانش ارائه‌شده در قرآن عهده‌دار رهایی انسان از ظلمت‌ها (بحران‌ها) به سوی نور است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ». (ابراهیم، آیه ۱) این نور جامع حسنات دنیا و آخرت است، توسعه‌ای است همراه با تعالی، مادیتی است همراه با معنویت: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (بقره، آیه ۲۰۱) حرمت و ممنوعیت هر نوع رهبری و حکومت غیرالهی و ظالمانه: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». (همان، آیه ۱۲۴) ضرورت اجرای عدالت: «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى». (مائده، آیه ۸) واگذاری کارها به افراد متعهد و متخصص: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». (نساء، آیه ۵۸) وجوب اطاعت از خدا و پیامبر و اولوالامر (نساء، آیه ۵۹) وفای به عهد (همان، آیه ۴۰)؛ پرهیز از مراجعه به طاغوت (نساء، آیه ۶۰)؛ آزادی انسان از هر آنچه او را از عبودیت خدا دور می‌کند: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ». (اعراف، آیه ۱۵۷)؛ آمادگی نظامی متناسب با شرایط زمانه (انفال، آیه ۶۰)؛ خمس و زکات و انفاق برای رفع محرومیت‌های اقتصادی، رعایت حقوق همدیگر و منع غیبت و تهمت و دروغ و افترا برای حفظ کرامت انسان‌ها، منع قتل و سرقت و مفساد اخلاقی برای حفظ حقوق بشر، احترام به پدر و مادر و ... (لک‌زایی، ۱۳۸۰)

در این بخش اهداف را به صورت کلی بیان می‌کنیم؛ چراکه صحبت از جزئیات خارج از ظرف مقاله است. قرآن کریم دو هدف کلی دنیا و آخرت را مطرح کرده و غایت را خود خداوند معرفی می‌کند.



## اهداف دنیوی

عمید زنجانی در موضوع اهداف دین می‌گوید: ادیان الهی عمدتاً دارای سه هدف مهم بوده‌اند:

اول: اقامه قسط و حق و هدایت جوامع بشری به سمت عدالت.

دوم: دعوت به سوی حق و ایجاد ارتباط سازنده میان انسان و خدا.

سوم: پیشرفت در مسیر تکامل.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، آیه ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». هر یک از این سه هدف والای دین و انبیا ارتباط تنگاتنگ با مسائل سیاست دارد و بدون یک اندیشه سیاسی منسجم و سازمان یافته و فلسفه سیاسی روشن قابل تحقق نمی‌باشد. این سؤال همواره در رابطه با اهداف انبیا مطرح می‌شود که اگر هدف تمام انبیا، اوصیا و اولیا(ع)، اقامه قسط و ایجاد عدالت در جامعه است، چگونه ممکن است که تفکر و عملکرد انبیا جدای از سیاست باشد؟ بی‌شک قسط و عدل، قانون می‌طلبد و قانون نیز خود، بدون نظام حقوقی روشن شکل نمی‌گیرد و بدون یک نظام سیاسی اجرا نمی‌شود، و نیز بدون یک اندیشه سیاسی، دولت و نظام سیاسی تحقق نمی‌یابد و بدون این سلسله مراتب، دستیابی به حق و قسط امکان‌پذیر نمی‌شود. بارزترین بخش تعالیم انبیا، شریعت است که مبین یک نظام حقوقی مشخص و متمایز می‌باشد. یک نظام حقوقی از یک سو زمینه‌ساز مجموعه قوانین و مقررات حاکم و از سوی دیگر خواهان یک قدرت سیاسی و حکومتی است که ضمانت اجرای آن قوانین را بر عهده بگیرد. هدف دوم رسالت انبیا، دعوت بشر به سوی خدا و هدایت معنوی انسان‌ها و فراهم کردن راه و زمینه رشد و تعالی انسان‌هاست، که جز در چارچوب یک عمل سیاسی و یک حکومت بشری امکان‌پذیر نیست. نخستین اقدام حضرت ابراهیم(ع) دعوت مردم به سوی خداست و اولین برخوردش با نمرود است که سدی آهنین در مقابل او قرار داده است؛ در نتیجه نخستین اقدامش یک مبارزه همه جانبه با این برخورد است. اساس این مبارزه، یک تفکر سیاسی است. دعوت نیاز به برنامه‌ریزی و تشکل دارد. هر نوع تشکل و شکل‌دادن و برنامه‌ریزی، یک عمل سیاسی است. هدایت به معنای راهبری، به مفهوم رساندن جمعی به یک ایدئولوژی و اهداف از پیش تعیین شده است، که دقیقاً یک اصطلاح سیاسی است. بنابراین هدایت انبیا یعنی رهبری، یک عمل سیاسی است. هدف سوم ادیان، آزادسازی انسان از قیودی که او را از تکامل باز می‌دارد و راه‌های رسیدن به قرب الهی را به روی او می‌بندد که چنین هدفی نمی‌تواند مجرد از یک عمل و جریان و

### سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

الگوی اسلامی  
پیشرفت براساس  
مفاهیم قرآن کریم  
(۷ تا ۲۸)

مبارزه ممتد سیاسی برای نیل به آزادی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و بین‌المللی باشد.

(عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۱)

اهداف دنیا از منظر قرآن کریم به صورت کلی شامل عدالت، آزادی، حکومت و... می‌شود و به صورت جزئی‌تر به صورت زیر قابل طرح است: سبک شهر و شهرسازی اسلامی، سبک خانواده اسلامی، سبک اسلامی کارگر و کارفرما، سبک اسلامی رفتار متقابل اجتماعی، سبک آموزش اسلامی، سبک اسلامی تربیت فرزند، سبک اسلامی صدا و سیما، سبک دیپلماسی و وزارت خارجه اسلامی و بسیاری از موضوعات دیگر است که احتیاج به پژوهش‌های جداگانه دیگری دارد.

### اهداف اخروی

در قرآن کریم آیات دیگری هدف را بهشت و جهنم معرفی می‌کند که به لحاظ مرتبه از اهداف الهی پایین‌تر هستند. با نگاهی دقیق‌تر، قرآن کریم بهشت را پاداش معرفی می‌کند نه غایت عالم:

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ؛ (یونس، آیه ۴) بازگشت همه انسان‌ها به سوی اوست. خداوند وعده رحمتی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می‌کند. سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به عدالت جزا دهد و برای کسانی که کافر شدند نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک است به سزای آن که کفر ورزیدند.

با بررسی دقیق آیات می‌بینیم بهشت و جهنم هدف خلقت بیان نشده‌اند، بلکه جزای اعمالی که در دنیا صورت گرفته، تلقی شده‌اند. قرآن کریم آخرت را به لحاظ رتبه از دنیا بالاتر معرفی می‌کند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام، آیه ۳۲) در واقع هدفی میانی برای غایتی همیشگی هستند.

### غایت الهی

در آیات قرآن کریم مجموعه‌ای از آیات هستند که موضوع آنها خداوند متعال است و هدف رفتاری بعضی از افراد را رضایت الهی بیان می‌کنند؛ برای مثال در یکی از آیات به این مطلب چنین اشاره شده است: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِاتُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا؛ (انسان، آیه ۹) گفتند: جز این نیست که شما را برای خشنودی خدا طعام می‌کنیم، نه از شما عوضی می‌خواهیم و نه انتظار

سپاس و ثنایی داریم». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «کلمه وجه به این معنا، آن روی هر چیزی است که روبه روی تو و یا هر کس دیگر باشد و وجه خدای تعالی عبارت است از صفات فعلی خدای تعالی، صفات کریمه‌ای که افاضه خیر برخلق و تدبیر رزق آنها و یا به عبارت جامع‌تر، رحمت عامه او که قوام تمامی موجودات بدان است از آن صفات نشأت می‌گیرد و بنابراین معنای اینکه عملی به خاطر وجه‌الله انجام شود این است که در انجام عمل این نتیجه منظور گردد که رحمت خدای تعالی و خشنودیش جلب شود منظور تنها این باشد و ذره‌ای از پاداش‌هایی که در دست غیرخدای تعالی است منظور نباشد و به همین جهت خانواده اطعام‌گر دنبال سخن خود «انما نطعمکم لوجه‌الله»، اضافه کرد: «لانريد منکم جزاءً و لاشکوراً». گفتیم وجه خدای تعالی عبارت است از صفات فعلی او، که صفات ذاتی خدای تعالی ماورای آن صفات قرار دارد و مبدأ آن در آخرت مبدأ تمامی خیرات عالم است و بنابراین برگشت اینکه عمل برای وجه‌الله باشد به این می‌شود که عمل انسان به این انگیزه از انسان سر بزند که باعث رضای اوست و او محبوب ما و رضایتش منظور ماست، برای اینکه او جمیل علی‌الاطلاق است و به تعبیر دیگر، برگشت چنین عملی به این است که انسان خدای را تنها به این جهت عبادت کند که او اهلیت و استحقاق آن را دارد. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲۰: ۲۰۵-۲۰۳)

همان طور که بیان شد، غایتی که قرآن کریم معرفی می‌نماید رضوان الهی است و جزا را بهشت و جهنم معرفی می‌نماید و پایین‌ترین مرتبه اهداف، اهداف دنیوی است که در قرآن کریم آمده است؛ اما از نگاهی مهم‌ترین است؛ چراکه رسیدن به اهداف الهی و اخروی در دنیا صورت می‌گیرد اما نه به هر روشی. در قرآن کریم هدف، وسیله را مشخص می‌کند نه اینکه برخلاف مکاتب دیگر، هدف، وسیله را توجیه کند.

#### نمودار غایت و اهداف الگوی پیشرفت

ردیف	غایت و اهداف الگوی اسلامی پیشرفت
۱	غایت: الله
۲	اهداف: کمال و رشد حقیقی انسان که در سایه رسیدن به اهداف دنیوی و اخروی محقق می‌شود و شامل عدالت در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و ...، آزادی از تمام نفسانیات و خودخواهی‌ها، زندگی انسانی و دیگر موارد می‌شود.

## نتیجه‌گیری

با توجه به سؤال اصلی مبنی بر چیستی الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس مفاهیم قرآن کریم، می‌توان بیان کرد که این الگو حاصل نمی‌شود مگر بر موازین وحیانی و بشری و آن غایت و اهداف منجر نمی‌شود مگر توسط انبیا، اوصیا و اولیا که هدفشان به کمال رساندن انسان‌ها و جوامع بشری است. آن غایتی که (لَوْجَهُ اللَّهُ لِأَنْزِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَاشْكُورًا- (انسان، آیه ۹)) مکاتب دیگر از پاسخ به آن در مانده شدند و با پاسخ‌های سراب‌آلود جوامع را درگیر و غافل از حقیقت کردند و الگوهای متدانی ارائه کردند: «لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ». (نجم، آیه ۲۹-۳۰)

و آنها را به پرتگاه‌ها و دره‌هایی بردند که نمونه‌های آن در تاریخ فراوان است: «وَأَضَلَّ فِرْعَوْنَ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَى» (طه، آیه ۷۹) یا مکاتب به ظاهر اسلامی که به نام دین از هر قالب و ماده غیرحقیقی استفاده کردند یا بر آن صفاتی حمل کردند که با موصوف نورانی دین تطابق نداشت یا اجرای دین به دست افرادی گذاشته شد که نه حقیقت دین را چشیده بودند و نه بویی از انسانیت برده بودند، نتیجه عمل آنها این شد که بشر را از دین و وحی فراری دادند.

در مقابل، قرآن کریم این کتاب مغفول مانده از چشمان مسلمانان «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان، آیه ۳۰) و به آتش کشیده شده توسط دشمنان، در هر چهار بُعد پاسخ‌هایی ارائه می‌دهد که هر انسان پاک مانده از آلودگی‌ها را به تعظیم وامی‌دارد: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ». (سجده، آیه ۱۵) چه در عرصه غایت و هدف آنچه را مقابل اشتباهی سیری ناپذیر انسان قرار می‌دهد خود خداوند است «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...». (بقره، آیه ۲۵۷) که نه تنها انسان‌های مستضعف از حق را خسته و در مانده نمی‌کند، بلکه انسان‌ها را به حقیقت و کمال می‌رساند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ». (ابراهیم، آیه ۱)

در عرصه علت فاعلی مجوز برای تبعیت از هر فردی را نمی‌دهد؛ چرا که منجر به رشد و کمال نمی‌شود: «إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ». (هود، آیه ۹۷) فاعل‌های آن حیات طیبه را انبیا، اوصیا و اولیا (ع) معرفی می‌کند که از وجود آنها انسانها به تزکیه می‌رسند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». (جمعه، آیه ۲)

با مشخص کردن غایت و فاعل، انسان را رها نکرده و مواد و صورت‌هایی متناسب با آن ارائه می‌دهد که خروجی آن حیات طیبه است (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ

فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل، آیه ۹۷)) نه چون جوامع و حکومت‌هایی که برای رسیدن به امیال و هوس‌های خود دست به هر جنایتی می‌زنند: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ». (ابراهیم، آیه ۲۶)

الگوی پیشرفت قرآنی یک الگو متعالی است و جامعه مورد بحث آن حیات طیبیه‌ای است مبتنی بر فوز و فلاح، و الگوی مقابل آن متدانی است.

#### سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

الگوی اسلامی  
پیشرفت براساس  
مفاهیم قرآن کریم  
(۲۸ تا ۷)

#### منابع

۱. آقابخشی، علی و مینو افشار راد (۱۳۸۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، چاپ دوم.
۲. امام خمینی، سیدروح‌الله (بی تا)، تهذیب الاصول، ج ۳.
۳. بهرام‌پور، ابولفضل (۱۳۷۸)، تفسیر یک جلدی، تهران، آوای قرآن، چاپ اول.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، سلسله بحث‌های فلسفه و دین، دین‌شناسی، قم، اسراء، چاپ چهارم.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، ولایت فقیه: ولایت، فقاقت و عدالت، قم، اسراء، چاپ هفتم.
۶. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (بی تا)، معاد شناسی، ج ۶، پایگاه علوم و معارف اسلامی.
۷. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲)، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. خلعت بری، فیروزه (۱۳۷۱)، مجموعه مفاهیم یولی، بانکی و بین المللی، تهران، انتشارات شباوز، چاپ اول.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۲)، قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تعریف قرآنی)، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق.
۱۰. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی شهری، تهران، سمت، چاپ دوم.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طوسی، نصیرالدین محمد (۱۳۵۶)، اخلاق ناصری، تهران، خوارزمی.
۱۳. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ششم.
۱۴. فاستر، مایکل ب (۱۳۶۱)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، امیرکبیر.
۱۵. فرهنگ ابجدی عربی به فارسی (۱۳۷۰).
۱۶. قرآن کریم.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، معارف قرآن، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه محمد مدرسین، قم، چاپ دوم.
۱۹. مطهری، مرتضی (بی تا)، امامت و رهبری.

۲۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۴)، المنطق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه الجماعة المدرسين.
۲۱. معادخواه، عبدالمجید (۱۳۷۸)، فروغ بی پایان، فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم، تهران: نشر ذره.
۲۲. معلوف، لوئیس (۱۳۷۵)، المنجد، عربی به فارسی، ترجمه محمد بندر ریگی، قم، انتشارات ایران، چاپ اول.
۲۳. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ چهارم.
۲۵. ناطقی، محمدتقی (۱۳۷۷)، پرتو ولایت، نشر سایه، چاپ اول.
۲۶. لکزایی، نجف (۱۳۹۱)، «الگوهای توسعه سیاسی با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۹.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «امنیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه اسراء، ش ۲
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۴.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، «مقاصد قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۵.

---

فصلنامه

علمی

پژوهشی

---

سینا